

تأثیر بانک‌های اسلامی بر ثبات مالی در فرایند جهانی شدن

رضا اکبریان* / مینو خردسود**

چکیده

با آغاز بانکداری اسلامی و گسترش روز افزون آن در سطح جهان که با گسترش تحولات جهانی شدن همراه است، لزوم توجه به بانک‌های اسلامی و نقش آنها در این فرایند اهمیت می‌یابد. از آنجا که مبحث «ثبات مالی» در میان مباحث جهانی شدن اهمیت ویژه‌ای دارد، در این مقاله با اتخاذ شیوه‌ای تحلیلی و با استفاده از فرمول Z-SCORE و شاخص جهانی شدن به بررسی این فرضیه می‌پردازیم که تأثیر متقابلی میان فرایند جهانی شدن و ثبات مالی بانک‌های اسلامی وجود دارد. تحقیق نشان می‌دهد که در فرایند جهانی شدن بانک‌های اسلامی از طریق مدیریت مناسب در شرایط بحران، داشتن قدرت بازار و توان اثرگذاری بر قیمت‌ها، حرکت بر اساس بخش واقعی و برخورداری از نظام مشارکتی، بر روی ثبات مالی جهانی تأثیر دارد. در مقابل، جهانی شدن موجب افزایش ثبات مالی بانک‌های اسلامی می‌شود. افزایش کارایی، استفاده از مؤسسه‌های رتبه‌بندی و نظارتی جهانی، و گسترش تنوع سرمایه‌گذاری را می‌توان از آثار مثبت جهانی شدن بر بانک‌های اسلامی دانست.

کلیدواژه‌ها: بانکداری اسلامی، ثبات مالی، جهانی شدن، شاخص جهانی شدن.

Rakbarian@Rose.shirazu.ac.ir

Minoo.kheradsood@gmail.com

* استادیار دانشگاه شیراز.

** دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه شیراز.

دریافت: ۸۹/۲/۱۳ - پذیرش: ۸۹/۶/۲

مقدمه

پیش از شکل‌گیری بانک‌های بدون ربا، مسلمانان پول‌های خود را به بانک‌های غیراسلامی نمی‌سپردند تا مجبور به دریافت ربا نشوند. آنان پول‌های خود را تبدیل به پول رایج خارجی، املاک، طلا و سنگ‌های قیمتی می‌کردند. بدین صورت، این ثروت‌ها از جریان سرمایه‌گذاری خارج می‌شد. با تأسیس بانک‌های اسلامی، مقدار زیادی از این ثروت‌ها مجدداً وارد جریان سرمایه‌گذاری شد.^۱

ایده بانکداری و تأمین مالی اسلامی نخستین بار در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد.^۲ اما آغاز بانکداری اسلامی به دهه ۶۰ میلادی برمی‌گردد. با این حال، برخی دهه ۷۰ را دهه آغاز مؤثر بانکداری اسلامی می‌دانند که در این صورت، حداقل ۵ دهه و حداکثر ۶ دهه از آغاز بانکداری اسلامی می‌گذرد.

طی سه دهه اخیر، تعداد مؤسسه‌های تأمین مالی اسلامی در سطح جهان، از یک مؤسسه، در سال ۱۹۷۵ به سیصد مؤسسه رسیده که در بیش از ۷۵ کشور گسترده شده، است.^۳ برخی همچون میرآخور و اقبال تا ششصد مؤسسه هم ذکر کرده‌اند.

پاکستان در سال ۱۹۸۰ اولین کشوری بود که سیستم بانکداری اسلامی را برگزید. در ایران، سودان و اندونزی هم امروزه سیستمی کاملاً اسلامی در بانکداری رعایت می‌شود. اینک دارایی بانک‌های اسلامی در سطح جهان ۲۵۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. میرآخور و اقبال تا ۶۰۰ میلیارد دلار هم تخمین زده‌اند و انتظار می‌رود که رشد دارایی‌های بانک‌های اسلامی سالانه پانزده درصد باشد.^۴

این نرخ رشد دو رقمی دارایی‌های منطبق با شریعت اسلامی، تأمین‌کنندگان اعتبار اسلامی را بر آن داشته است تا نگاه خود را به قلمروهای تازه در داخل و خارج از کشور اسلامی معطوف کنند.

بانک‌های اسلامی و مؤسسه‌های تأمین مالی اسلامی، ظرفیت جهانی زیادی برای گسترش دارند. این ظرفیت مرهون قابلیت‌های این نظام و همچنین مشکلات ساختاری تأمین مالی ربوی است. به اعتقاد، خان (۱۹۹۸) ناکارآمدی نظام اقتصاد سنتی (نظام مشتمل بر بهره) مسئله‌ای نیست که تنها در میان مکاتب اسلامی مطرح باشد؛ بلکه بسیاری از اقتصاددانان، نظیر فیشر (۱۹۴۵)، سیمونز (۱۹۴۸)، و فریدمن (۱۹۴۸)، بیان کرده‌اند که سیستم بدهکاری یک‌طرفه و مشتمل بر بهره اساساً از ریشه متزلزل است.^۵

در دهه‌های اخیر، فرایند جهانی‌شدن که در این مقاله، منظور از آن داشتن گستره جهانی برای فعالیت بانک‌های اسلامی و گسترش ارتباطات جهانی از جمله ارتباطات مالی میان کشورهای مختلف و نیز نهادهای مالی آنهاست و نه جهانی شدن مصطلح، پنجره‌های تازه‌ای را بر روی بانک‌های اسلامی باز کرده است.

جهانی‌شدن فرآیندی است که تجارت و نیز سرمایه داخلی و خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در امر جهانی شدن، بر موضوع ثبات مالی تأکید می‌شود. زیرا تأثیرات بیرونی جهانی شدن، عمدتاً ثبات مالی کشورها را به خطر می‌اندازد. بی‌ثباتی باعث از دست رفتن تولیدات و عدم تخصیص بهینه منابع بین مصارف مختلف می‌شود. ارتباط میان بی‌ثباتی و عدم تخصیص بهینه منابع از آن جهت است که وقتی هنوز بحث جهانی شدن مطرح نیست، کشورها در محدوده مرزی خود برای تولید و تخصیص بهینه منابع برنامه‌ریزی می‌کنند در این راستا از یک ثبات مالی نسبی برخوردار هستند. اما جهانی شدن با تحت تأثیر قرار دادن ثبات مالی موجب می‌شود که برنامه مورد نظر کشورها در زمینه تولید و تخصیص بهینه منابع به خوبی اجرا نشود یا اصلاً به اجرا در نیاید. بنابراین، تأکید بر ثبات مالی در طول سه دهه اخیر، همواره از سیاست‌های مهم بوده است و امروزه، کشورهای مختلف به بخش مالی و علائم دریافتی از آن توجه بیشتری مبذول می‌دارند.^۶

چه بسا سیستم مالی یکی از منابع بی‌ثباتی یا یکی از مجاری انتقال بی‌ثباتی از بخشی به بخش دیگر و در نهایت، بی‌ثبات کننده کل اقتصاد باشد. ظهور شوک اقتصادی در سیستم مالی بی‌ثبات می‌تواند اوضاع نابسامانی را برای آن سیستم به وجود آورد.^۷ بانک‌ها جزئی از سیستم مالی هستند و بروز حتی یک شوک و بی‌ثباتی در سیستم بانکی می‌تواند تمام داشته‌های آن را نابود کند. بنا به پیش‌بینی بانک مرکزی انگلیس، یک بحران مالی به طور متوسط ۱۶٪ محصول ناخالص داخلی این کشور را از بین می‌برد.^۸

فرضیه اساسی این نوشتار این است که بانک‌های اسلامی، هم به دلیل قابلیت‌ها و هم به دلیل دور نماندن از پیشرفت، ناگزیرند در مسیر جهانی شدن گام بردارند و در تأمین ثبات و امنیت مالی جهان نقش‌آفرینی کنند. در این مقاله، پس از بررسی ادبیات موضوع، به بررسی تأثیر متقابل جهانی شدن و ثبات بانک‌های اسلامی می‌پردازیم.

مروری بر مطالعات انجام شده

کیلی در سال ۱۹۹۰ در مقاله‌ای تحت عنوان «بیمه سپرده، ریسک و قدرت بازار در بانکداری»، با استفاده از سری‌های زمانی و نمونه ۸۵ بانک طی سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۶، به بررسی مشکل ناشی از وجود نرخ ثابت بیمه سپرده در دهه ۸۰ میلادی پرداخته و به این نتیجه رسیده که طی این دوره، افزایش رقابت، ارزش مجوز را کاهش و ریسک را افزایش می‌دهد.^۹

دی نیکولو در سال ۲۰۰۰، در مقاله‌ای به نام «سایز، ارزش مجوز و ریسک در بانکداری»، ارتباط بین اندازه بانک و ارزش مجوز و ریسک درماندگی را در نمونه‌هایی از بانک‌های تجاری برای کشورهای صنعتی طی سال‌های ۱۹۸۸-۱۹۹۸ بررسی کرده است. نتیجه تحقیق حاکی از آن است که ارزش مجوز با اندازه رابطه کاهشی، و ریسک درماندگی با سایز رابطه افزایشی دارد.^{۱۰}

احمد الاجلونی در سال ۲۰۰۴، در مقاله‌ای با عنوان «استراتژی‌های در حال رشد بانک‌های اسلامی در مقابله با چالش‌های پیش‌روی تأمین مالی»، به شکل‌دهی راهبردهای متناسب با توانمندی‌های بانک‌های اسلامی می‌پردازد تا در فرایند تأمین مالی جهانی، منافع بانک‌های اسلامی حداکثر و تهدیدهای آن حداقل شود.^{۱۱} این بررسی نشان می‌دهد که جهانی‌شدن بر بانک‌های اسلامی در سطح داخلی آثار منفی، ولی در سطح جهانی آثار مثبت به جا می‌گذارد. زیرا جهانی‌شدن بانک‌های اسلامی را به رقابت می‌کشاند.

صادقی و نادری کزج در سال ۱۳۸۳، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی کارایی بانکداری بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه بانک‌های غیر ربوی با بانک‌های ربوی در جهان (با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها)»، به مقایسه کارایی بانک‌های اسلامی با بانک‌های غیر اسلامی پرداختند. در این تحقیق، کارایی ۴۱ بانک اسلامی در سال ۲۰۰۰ و ۴۶ بانک اسلامی در سال ۲۰۰۱ با استفاده از دو مدل بازدهی ثابت و متغیر نسبت به مقیاس بررسی شده و بانک‌های کارا تر مشخص شدند. همچنین، کارایی ۴۶ بانک غیر ربوی و ۶۴ بانک ربوی در جهان (در سال ۲۰۰۱) باروش بازدهی ثابت محاسبه شده و این بانک‌ها با یکدیگر مقایسه شدند. نتایج حاکی از آن است که کارایی بانک‌های غیر ربوی بحرین و قطر - و به طور کلی، بانک‌های غیر ربوی که در شرایط رقابتی در کنار بانک‌های ربوی فعالیت می‌کنند - از بانک‌هایی که تحت نظام بانکداری غیر ربوی فعالیت می‌کنند مانند ایران، سودان و پاکستان بیشتر است. در مجموع در سال ۲۰۰۱ کارایی بانک‌های غیر ربوی از بانک‌ها ربوی کمتر بوده است.

عیوضلو و میسمی در سال ۱۳۸۷، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف»، به صورت نظری بر دو مورد از منافع اقتصادی که از به کارگیری قانون الهی دربارهٔ تحریم ربا انتظار می‌رود (یعنی ثبات و کارایی) تمرکز کردند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تأمین مالی اسلامی، نسبت به تأمین مالی متعارف، باثبات‌تر و کارا تر است و به علل گوناگون، رشد بیشتری را نیز نوید می‌دهد.

موسویان در سال ۱۳۸۸، در مقاله‌ای با عنوان «بانکداری اسلامی؛ ثبات بیشتر، کارایی بهتر»، به بررسی بازتاب استفاده از نظام بانکداری اسلامی به جای بانکداری متعارف پرداخته و اثر آن را بر متغیرهای پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، اشتغال، تولید، سطح عمومی قیمت‌ها، توزیع درآمد و رفاه عمومی بررسی کرده است. نتایج این بررسی بیانگر آن است که با جایگزینی بانکداری اسلامی، همهٔ متغیرهای اساسی، وضعیت بهتری خواهند داشت و نظام بانکی و اقتصادی ثبات بیشتری خواهد گرفت.

در این تحقیق، با بهره‌گیری از یافته‌های پژوهش‌های پیشین به بررسی رابطه جهانی‌شدن و ثبات بانک‌های اسلامی می‌پردازیم. فرضیه اساسی تحقیق این است که بانک‌های اسلامی می‌توانند به بهبود ثبات نظام مالی جهانی کمک کنند. همچنین جهانی‌شدن نیز به نوبه خود اثربخشی بر ثبات بانک‌های اسلامی دارد.

مبانی نظری

ثبات مالی در یک نظام مالی زمانی اتفاق می‌افتد که سه شرط زیر حاصل شود:

۱. توانایی تخصیص منابع اقتصادی به شکل کارا و نیز قدرت کاری ساختن فرآیندهای اقتصادی دیگر (رشد اقتصادی، رفاه عمومی، و تراکم دارایی) وجود داشته باشد.

۲. مدیریت مناسبی در زمینهٔ تخمین قیمت‌گذاری، تخصیص و مدیریت مخاطرات مالی صورت گیرد.

۳. توانایی اجرای موارد فوق حتی در شرایط بروز بحران‌های خارجی وجود داشته باشد.^{۱۲}

در این قسمت، به تبیین مبانی نظری می‌پردازیم:

۱. ارزش مجوز

ارزش مجوز، توانایی بانک را برای ادامهٔ فعالیت در آینده نشان می‌دهد. بانک‌های دارای قدرت بازاری بیشتر از مزیت بیشتر، و در نتیجه، از ارزش مجوز بیشتری برخوردارند. مجوز اساساً به

معنای منافع حاصل از عملیات آینده یک بانک است که عاید صاحبان آن بنگاه می‌شود. بنابراین، ارزش مجوز معرف هزینه فرصت ورشکست شدن بانک نیز می‌باشد.^{۱۳}

۲. زیر نظر گرفتن و برگزینش

برگزینش به معنای طبقه‌بندی و انتخاب مشتری‌های خوب است. برگزینش بنگاه توسط بانک بر کارایی تخصیص بانک مؤثر است. برگزینش می‌تواند کیفیت سبد وام‌های یک بانک را افزایش دهد. بانکی که دارای قدرت بازاری بیشتری است، انگیزه بیشتری برای زیر نظر گرفتن بنگاه‌های متقاضی تسهیلات دارد. اگر با وجود این انگیزه و با گسترش تعداد بانک‌ها، فناوری انجام این کار ناقص باشد، بیشتر شدن تعداد بانک‌ها می‌تواند باعث وخامت سبدهای وام شود.

۳. اثر سرایت

اثر سرایت بیانگر آن است که شوک اعتباری یا نقدینگی واردآمده به یکی از حاضرین نظام مالی، باعث ظهور شوک در سایر قسمت‌های مالی گردد. گفتنی است که میزان به هم پیوستگی شبکه‌های بانکی می‌تواند بر این پدیده تأثیر گذارد.

آلن و گیل در سال ۲۰۰۰، به بررسی این مسئله پرداختند و بیان کردند که میزان سرایت، بستگی به ساختار شبکه بین بانکی دارد. بازار کامل، ساختاری است که در آن، هر کدام از بانک‌ها دارای ارتباط متقارنی با تک‌تک بانک‌های دیگر هستند. ساختار غیرکامل نیز حالتی است که هر کدام از بانک‌ها فقط با بانک‌های همجوار در همان ناحیه فعالیت خودشان ارتباط دارند. آلن و گیل بیان کردند که در بازار کامل، اثر شوک به تمام بانک‌ها انتقال می‌یابد؛ به همین علت هزینه شوک برای تک‌تک نواحی پایین می‌آید. اما بازارهای غیرکامل برای سرایت مستعدترند. هرچه در بازار غیرکامل تعداد بانک‌ها و نواحی فعالیت آنها افزایش یابد، برخلاف حالت ساختار کامل، احتمال سرایت بیشتر خواهد بود. بنابراین، ترکیب ساختار غیرکامل با ساختار کامل، ساختاری را تشکیل می‌دهد که دارای بیشترین احتمال جهت سرایت است. در این مقاله، بر نظریه ارزش مجوز تأکید می‌شود که یکی از بسترهای ثبات مالی است.

اندازه‌گیری ثبات بانک‌ها

در سال ۲۰۰۹، سیپک و هسی شاخصی را بر اساس نظریه ارزش مجوز برای اندازه‌گیری ثبات بانک‌ها معرفی کردند که به نظر می‌رسد به نظریه ارزش مجوز نزدیک باشد؛ این شاخص متغیری وابسته به نام z-score است.

گرچه شاخص z-score در محیط سرمایه‌داری مطرح شده، با اصول و ویژگی‌های نظام مالی اسلامی همخوانی داشته و قابل تعمیم به بانک‌های اسلامی است. این شاخص با احتمال ورشکستگی بانک رابطه معکوس دارد. ورشکستگی بانک به این صورت تعریف می‌شود که ارزش دارایی‌های بانک، کمتر از ارزش بدهی‌هایش باشد؛ این شاخص به صورت زیر نشان داده می‌شود:

$$Z = \frac{K + \mu}{\delta}$$

که در آن:

k، سرمایه یا ذخایر به عنوان درصدی از دارایی‌هاست؛

μ ، متوسط بازدهی به عنوان درصدی از دارایی‌هاست^۴ (البته منظور سود یا درآمد نیست، بلکه صرفاً دارایی مدنظر است)؛ و δ ، انحراف معیار بازدهی دارایی به عنوان تقریبی برای دفعات تغییر بازده (ریسک بازده) است.

مشخص است که هرچه Z بزرگ‌تر باشد، احتمال ورشکستگی بانک کمتر است.

یکی از ویژگی‌های مهم شاخص z-score آن است که میزان ثبات را به طور واضح، معقولانه و قابل استناد، نشان می‌دهد. این شاخص، هم برای بانکی که از استراتژی ریسک بالا - بازده بالا و هم برای بانکی که از استراتژی ریسک پایین - بازده پایین استفاده می‌کند، قابل استناد است؛ به شرطی که هر دو استراتژی به یک نرخ ریسک عادلانه بازگشت کنند.

سیپک و هسی Z را به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفتند و اثر نوع بانک (اسلامی و غیراسلامی)، سیکل‌های کلان (نرخ رشد GNP، نرخ تورم، و نرخ ارز)، اثر متقابل متغیر انحراف درآمد و اثر بازارهای متمرکز و متغیرهای نظارتی (بانک مرکزی) را بر روی z آزمون کردند.^{۱۵} کشورهای موجود در این مطالعه از این قرار است: بحرین، بنگلادش، مصر، لبنان، مالزی، بروئی، ماریتانی، غنا و امارات متحده عربی، گامبیا، اندونزی، ایران، اردن، کویت، عربستان سعودی، سودان، تونس، قطر، یمن، و پاکستان.

در این بررسی، و منظور از بانک‌های بزرگ بانک‌هایی هستند که کل دارایی‌هایشان بیش از یک میلیارد دلار آمریکا باشد؛ منظور از بانک‌های کوچک نیز بانک‌هایی هستند که کل دارایی‌هایشان کمتر از یک میلیارد دلار آمریکا باشد.

نتایج زیر حاصل مطالعات سیپک و هسی می‌باشد:

۱. نسبت وام به دارایی (نرخ کفایت) بانک‌های اسلامی بزرگ، به طور متوسط، بیشتر از بانک‌های غیر اسلامی بزرگ است و به نظر می‌رسد، این امکان وجود داشته باشد که بانک‌های اسلامی در فعالیت‌های غیر وامی سرمایه‌گذاری ناچیزی انجام دهند. در بانک‌هایی که نسبت وام به دارایی، شاخص z-score کمتر و بی‌ثباتی بیشتر است. این نتیجه در سطح بانک‌های کوچک اسلامی و غیراسلامی تفاوت زیادی ندارد.
- در اینجا، بانک‌های بزرگ بانک‌هایی هستند که در سطح مالی مطرح‌اند و از قابلیت وام دادن برخوردارند؛ بانک‌های فاقد این ویژگی نیز بانک‌های کوچک در نظر گرفته می‌شوند.
۲. بانک‌های اسلامی، در مقایسه با بانک‌های غیر اسلامی، نسبت هزینه به درآمد بیشتری داشته و در نتیجه کارایی کمتری از بانک‌های غیراسلامی دارند. درآمد پایین بانک‌های اسلامی را می‌توان یکی از دلایل بالا بودن نسبت هزینه به درآمد دانست، که متأثر از سرمایه‌گذاری (k) اندک است. این نسبت می‌تواند با شاخص z-score در رابطه باشد.
۳. انحراف درآمد بیشتر، منجر به افزایش شاخص z-score در بانک‌های اسلامی می‌شود؛ بنابراین، با ایجاد تنوع در منابع درآمدی، ثبات افزایش می‌یابد. انحراف درآمد بیشتر به معنی افزایش منابع بازدهی است و بر اثرگذار است و آنرا در مقایسه با حالت عدم تنوع درآمدی افزایش می‌دهد. یعنی وقتی تنوع درآمدی وجود دارد. اگر در یکی از منابع درآمدی زبانی حاصل شود و در منبع دیگری سود ایجاد شود متوسط بازدهی مقدار با ثبات‌تری خواهد داشت و انحراف معیار بازدهی دارایی را کاهش می‌دهد و مخرج کاهش می‌یابد و کل کسر افزایش یافته و احتمال ورشکستگی را کاهش می‌دهد.
۴. مقدار شاخص z-score برای بانک‌های بزرگ، به طور کلی (چه اسلامی و چه غیراسلامی)، بزرگ‌تر از بانک‌های کوچک است.
۵. متغیر نظارتی (که معمولاً بانک‌های مرکزی نقش آن را ایفا می‌کنند)، بر ثبات مالی اثر مثبت دارد و بیان می‌کند که نظارت بهتر شاخص z-score را افزایش، و در نتیجه بی‌ثباتی را کاهش می‌دهد.
۶. بزرگ‌شدن بانک‌های اسلامی بر ثبات مالی این بانک‌ها می‌افزاید؛ ولی از طرف دیگر، باعث بی‌ثباتی بانک‌های غیر اسلامی بزرگ می‌شود.

۷. اثر شاخص هرفیندال منفی است؛ یعنی با افزایش تمرکز در سیستم بانکی، ثبات کاهش می‌یابد.

۸. دوره‌های رکود و رونق، تأثیر زیادی بر بی‌ثباتی و ثبات بانک‌ها دارد.

با توجه به نتایج به دست آمده از این مطالعه، بانک‌های اسلامی برای رسیدن به ثبات مالی بیشتر (به خصوص در فرایند جهانی شدن) بایستی اقدامات زیر را انجام دهند:

۱. نسبت وام به دارایی را کاهش دهند؛

۲. نسبت هزینه به درآمد را کاهش دهند؛

۳. انحراف درآمد را که به معنی افزایش تنوع درآمدی است، افزایش دهند. بنابراین، نهاد بانکداری اسلامی باید انعطاف‌پذیری لازم را برای انتخاب ساختار سازمانی که متناسب با تنوع فعالیت و تنوع درآمدی باشد، داشته باشد.^{۱۶}

تنوع فعالیت بانک‌های اسلامی می‌تواند در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف، مثلاً سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بیمه اسلامی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های تأمین‌کننده امنیت مالی یا در بیمارستان‌ها، کارخانجات و بنگاه‌های صنعتی باشد.^{۱۷} البته منظور آن است که بر تعداد بانک‌های اسلامی افزوده شود و هر کدام از این بانک‌ها به صورت تخصصی در یکی از موارد فوق سرمایه‌گذاری کنند.

موارد ۱ و ۲ از طریق تبیین روش‌ها، الکترونیکی شدن و...، به عنوان اثرگذارترین عوامل در ایجاد ثبات مالی و رسیدن به وضعیت مطلوب نقش دارند. مورد ۳ بیشتر برای بانک‌هایی است که در وضعیتی مطلوب به سر می‌برند و می‌خواهند وضعیت مطلوب خویش را گسترش دهند.

۴. بانک‌های اسلامی هرچه بزرگ‌تر باشند، ثبات مالی بیشتری دارند. بنابراین، بانک‌های اسلامی می‌توانند با افزایش عملیات و خدمات بانکی و گسترش شعبه‌های خود در سطح جهان به این هدف نائل شوند. بی‌ثباتی بانک‌های غیراسلامی بزرگ را به اثر سرایت نسبت داد.

۵. شاخص هرفیندال که قدرت انحصاری و تمرکز صنایع را نشان می‌دهد بیان می‌کند که هرچه در سیستم بانکی تمرکز یا انحصار بیشتر باشد، ثبات کمتر است.

۶. بانک‌های اسلامی بایستی ابزارهای نظارتی را افزایش دهند. با گسترش فعالیت بانک‌ها در زمینه تأمین مالی جهانی، ایجاد نوعی انضباط مالی توسط بانک فردی، می‌تواند بر روی

ایجاد ثبات مؤثر باشد. نتیجه تحقیق سیهک و هسی نیز نشان از اثر مثبت نقش نظارتی بانک‌های مرکزی بر روی ثبات مالی دارد.

اثر جهانی شدن بر افزایش توان بانک‌های اسلامی در ایجاد ثبات مالی

مطابق نتایجی که سیهک و هسی با استفاده از روش OLS استخراج کرده‌اند، بانک‌های اسلامی در مقایسه با بانک‌های غیراسلامی نسبت هزینه به درآمد بالا و انحراف درآمد (تنوع درآمدی) پایینی دارند. گفتنی است که:

۱. بالا بودن نسبت هزینه به درآمد باعث کاهش کارایی بانک‌های اسلامی می‌شود. همان‌گونه که پیشتر بیان شد، طبق تعریف اسپیناسی از ثبات مالی، یکی از عوامل ثبات مالی عبارت است از: توانایی تخصیص منابع اقتصادی به شکل کارا و نیز قدرت کارا تر ساختن فرآیندهای اقتصادی دیگر (رشد اقتصادی، رفاه عمومی، و تراکم دارایی). این عامل در بانک‌های اسلامی ضعیف است؛ اما چون کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی از پیش‌نیازهای ورود به فرایند جهانی شدن است، بحث جهانی شدن ضرورت فراهم کردن این عامل را به بانک‌های اسلامی هشدار می‌دهد که این مسئله، اثر غیرمستقیم جهانی شدن بر بانک‌های اسلامی است.

دو منبع هزینه بانک‌های اسلامی که با پیوستن به فرایند جهانی کاهش می‌یابد، به شرح زیر است:

الف) یکی از کانال‌هایی که باعث افزایش هزینه بانک‌ها به خصوص بانک‌های اسلامی می‌شود، نظام بانکداری سنتی (در مقابل بانکداری الکترونیک) است که نتیجه‌اش هزینه و قیمت بالا، تأخیرهای طولانی‌مدت، کیفیت ضعیف خدمات است که کارایی را پایین می‌آورد.^{۱۸}

در فرایند جهانی شدن، افزایش موفقیت‌آمیز ادغام‌های بانکی که به دو صورت داخلی و خارجی اتفاق می‌افتد می‌تواند باعث کاهش هزینه و افزایش سودآوری شود و مشتریان و سهامداران را منتفع کند. بنابراین، فرایند تأمین مالی جهانی، کاهش‌دهنده هزینه است و به گسترش تجارت بین‌الملل کمک می‌کند.

با گسترش تجارت جهانی، نیاز به پرداخت‌های جهانی گسترش می‌یابد و بانک‌ها برای انجام واسطه‌گری جهانی پرداخت، نیازمند استفاده از فناوری نوین و پول دیجیتال می‌شوند تا بتوانند تسویه خودکار را جهانی کنند. در مورد استفاده بانک‌های اسلامی از فناوری نوین، فناوری

اطلاعات (IT) و تجارت الکترونیک که ابزارهایی جهت ارتقای منزلت مسلمانان می‌باشند، پیشنهاد شده است که گروهی از فقهای مسلمان دوشادوش تعدادی از کارشناسان فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک برنامه‌ای تدوین نمایند. که از نظر شرعی قابل قبول باشد. ارتباط این مباحث با نظام بانکداری سنتی آن است که در نظام سنتی، مباحث مربوط به ارتباطات بین‌المللی طرح نمی‌شود و احتمالاً امکانات سنتی تنها پاسخگوی روابط داخلی می‌باشد.

اگر بانک‌های اسلامی براساس فقه اسلامی نوآوری‌هایی در فعالیت‌های مالی انجام دهند، می‌تواند برای جهان معاصر جذابیت داشته باشد. در این صورت، این نوآوری‌ها حتماً برای بانک‌های اسلامی یک سرمایه غیرملموس و یک مزیت برجسته خواهد بود.

تأمین مالی جهانی که زمینه‌ساز ایجاد دارایی‌های غیرملموس است، هم باعث افزایش سرمایه (K) و فزونی Z می‌شود و بی‌ثباتی را کاهش می‌دهد و هم باعث ایجاد ریسک سیستماتیک می‌شود^{۱۹} که نتیجه آن افزایش ریسک بازده (δ)، کاهش Z و افزایش بی‌ثباتی است. پس، تأمین مالی جهانی، اثری دوگانه بر روی ثبات مالی بانک‌ها از جمله بانک‌های اسلامی دارد.

مطالعه موردی درباره مالزی (به عنوان نمونه‌ای از بانکداری اسلامی) نشان می‌دهد که تفاوت میان کارایی بانک‌های اسلامی و غیراسلامی رو به کاهش است.

ب) یکی از دلایل افزایش هزینه بانک‌ها، متحمل شدن هزینه تشخیص مشتریان باکفایت است. با پیوستن به فرآیندهای جهانی، بانک‌های اسلامی می‌توانند از اطلاعات مؤسسه‌های رتبه‌بندی استفاده کنند. این مؤسسه‌ها متقاضیان بی‌کفایت را شناسایی می‌کنند. با این کار، هزینه شناسایی از عهده بانک‌ها خارج می‌شود و کارایی افزایش می‌یابد. این مؤسسه‌های رتبه‌بندی، چون کار نظارتی انجام می‌دهند (و نظارت بر ثبات مالی اثر مثبت دارد)، از چند جنبه باعث افزایش شاخص Z-score و نیز افزایش ثبات مالی بانک‌های اسلامی می‌شوند؛ هم با کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی و هم با افزایش نظارت.

۲. جهانی شدن، باعث گسترش تنوع سرمایه‌گذاری بانک‌های اسلامی می‌شود. انحراف درآمد بیشتر باعث ثبات بیشتر در بانک‌های اسلامی بزرگ می‌شود. به طور نمونه، جهان شمولی بانکداری مرز میان خدمات مالی بانکی و غیر بانکی را در بعضی کشورهای اروپایی کمرنگ کرده و گسترش محصولات بیمه‌ای از طریق شعب بانکی پدیده‌ای به نام بیمه بانک را به وجود آورده است.

ویژگی‌های بانک‌های اسلامی در رابطه با ثبات

بانک‌های اسلامی به دلیل داشتن خصوصیتی که نظام ربوی فاقد آن است، می‌توانند بر روی ثبات مالی جهانی اثرگذار باشند که دو مورد آن به شرح زیر است:

۱. در نظام اسلامی، مؤسسه‌های مالی بر اساس بخش واقعی حرکت می‌کنند؛ یعنی بخش واقعی پیشرو و بخش مالی دنباله‌روست.^{۲۰} مؤسسه‌های تأمین مالی اسلامی، علاوه بر آنکه به تأمین مالی فعالیت‌های تولیدی می‌پردازند، به موارد مصرف تسهیلات و اینکه در چه فعالیت‌هایی کار گرفته می‌شود (کشاورزی، صنعتی، و خدماتی) نیز اهمیت می‌دهند. این ویژگی خاص بانکداری اسلامی، مانع بروز شوک و بی‌ثباتی می‌شود. این در حالی است که در نظام مبتنی بر بهره، به مصرف وجوه اهمیت زیادی داده نمی‌شود. در عوض، این نظام به وثیقه و توان بازپرداخت اقساط توسط گیرنده اهمیت زیادی می‌دهد.^{۲۱}

از طرف دیگر، ابزارهای نظارتی نیز می‌توانند برای بانک‌های اسلامی کارا باشند و مانع پیشی گرفتن بخش مالی از بخش واقعی شوند.

۲. در نظام غیر ربوی و مشارکتی که بر اساس قرارداد بین عامل و صاحب سرمایه است، چون سود و زیان بین هر دو تقسیم می‌شود، توزیع درآمد متوازن است؛ یعنی بر اساس کار یا ترکیب کار و سرمایه بنا شده است.

هرچند این مسئله فقط در عقود مشارکتی صادق است، اما بانکداری اسلامی فقط ویژگی مشارکتی ندارد؛ بلکه عقود شرعی غیر مشارکتی که ماهیتشان با بانکداری موجود سازگارتر است، هزینه‌ها را کاهش و کارایی را افزایش خواهند داد.

در نظام سرمایه‌داری که نوعی نظام ربوی است، وام‌دهنده به دلیل دور بودن از اقتصاد واقعی و عدم مشارکت در سود و زیان - همیشه - در طرف برنده‌ها قرار دارد. در نتیجه، در بلندمدت، دارایی و درآمد به سمت او جمع می‌شود (یعنی سرمایه در جریان کار چه ضرر ببیند یا سود کند، او مزد خود را می‌گیرد). نتیجه این تسلط سرمایه بر کار آن است که درآمدهای وام‌دهنده (صاحب سرمایه) و تولیدکننده از هم فاصله می‌گیرد و عدم توازن درآمدها، نظام طبقاتی را ایجاد می‌کند که از عوامل بی‌ثباتی اقتصاد است.

نقش بانک‌های اسلامی بر ثبات مالی جهان

در بحران مالی کنونی، موقعیتی برای بانک‌های اسلامی به وجود آمده که می‌توانند از آن

فرصت حداکثر استفاده را نمایند. در این بحران که اقتصاد سرمایه‌داری با آن مواجه شده است و یکی از علت‌های آن را ربا و نبودن شفافیت و فساد مالی دانسته‌اند، بانک‌های اسلامی توانسته‌اند جان سالم به در ببرند و این فرصتی است برای بانک‌های اسلامی تا به گسترش بیش از پیش در سطح جهان دست پیدا کنند.

اتاق مالی کویت این موفقیت بانک‌های اسلامی در مواجهه با بحران اخیر را به چند دلیل دانسته است: اول، وجود قواعدی که مؤسسه‌های بزرگ و اصلی را از مبادلات با ریسک بالا منع می‌کند؛ دوم، تمرکز فراوان بانکداری اسلامی بر سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری بر املاک؛ سوم، نفی ربا و بهره.

بانکداری اسلامی یک نظام مالی جامع و کلی‌نگر است؛ به این معنا که علی‌رغم حذف بهره و وجود محدودیت در این زمینه، توانایی دارد با ایجاد ابتکارات در چارچوب اسلامی سرمایه‌گذاری کند. در حالی که بانک‌های متعارف، چون بهره را پذیرفته‌اند، در همه موارد می‌توانند سرمایه‌گذاری کنند.

بانک‌های اسلامی توانسته‌اند در میان مشتریانی که نسبت به الزامات مذهبی در مقایسه با خدمات و قیمت بیشتر حساس هستند، به شهرت دست یابند. این امر غیرملموس (غیرمحاسباتی و غیر مستقیم)، کلید سودآوری بسیاری از کشورهای عرب خلیج فارس می‌باشد. در اینجا نیز اعتبار مؤسسه‌های مالی اسلامی و اعتماد مشتریان آن دارایی غیر ملموس تلقی می‌شود.^{۲۲}

نحوه اندازه‌گیری میزان فعالیت در سطح جهان

اینکه جهانی شدن چیست و چگونه می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد، پرسشی است که توسط نمایه جهانی شدن (G) بدان پرداخته شده است. نمایه G، ابزاری است که می‌کوشد تا عمق و غنای جهانی شدن را در کشورهای گوناگون مشخص سازد و در این رهگذر، شکل‌گیری، ماهیت و حرکت کشورها را از یک نقطه شروع اقتصادی ارزیابی می‌کند.^{۲۳}

اگر جهانی شدن را به مفهوم در هم آمیختن هرچه بیشتر اقتصاد داخلی و جهانی در نظر بگیریم، نمایه G میزان وابستگی متقابل بین اقتصاد ملی و جهانی، یعنی نسبت مبادلات خارجی بر تولیدات داخلی، را اندازه‌گیری می‌کند. این نمایه از ترکیب شش عامل به دست آمده است که به دو گروه اقتصاد قدیم و جدید تقسیم می‌شود. اقتصاد قدیم وزن هفتاد درصدی و اقتصاد جدید وزن سی درصدی در این نمایه دارند.

هفتاد درصد اقتصاد قدیم شامل پنجاه درصد تجارت خارجی، ده درصد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، و ده درصد جریان سرمایه خصوصی خالص است. از این میان، جریان سرمایه خصوصی خالص، مربوط به جریان بدهی خصوصی می‌شود که شامل وام‌دهی بانک و اوراق قرضه و دیگر اعتبارات خصوصی است و نمره پایین جریان سرمایه خصوصی خالص، به معنای خروج سرمایه است که می‌تواند از عوامل شکل‌دهنده بحران و بی‌ثباتی باشد.

سی درصد اقتصاد نوین نیز شامل بیست درصد صدور خدمات، پنج درصد تعداد اتصالات اینترنت، و پنج درصد ترافیک تلفن بین‌الملل است. از این میان، تعداد اتصالات اینترنت، نشان‌دهنده میزان توسعه صنایع مبتنی بر فن‌آوری و میزان توسعه دیجیتال در اقتصاد می‌باشد. نمره پایین این اتصالات به این معناست که جریان آزاد اطلاعات در میان کشورها با سوءظن نگرسته می‌شود.^{۲۴}

با توجه به عوامل مؤثر در نمایه G، بانک‌های اسلامی از طریق افزایش جریان سرمایه خصوصی خالص، افزایش صنایع دیجیتالی در بانکداری، و افزایش خدمات مورد نیاز مشتریان در زمینه جهانی شدن، نقش‌آفرینی می‌کنند. کشورهای اسلامی برای رونق گرفتن بانکداری اسلامی باید سعی کنند مانع خروج سرمایه از بانک‌هایشان شوند و سرمایه‌های دیگر را نیز به سمت بانک‌های خود بکشانند تا نمره بالاتری در جهانی شدن کسب کنند. همچنین باید با استفاده بیشتر از دانش و فناوری و صنایع دیجیتالی، سرعت عملیات بانکی را افزایش دهند که این موارد، جزء تغییرات لازم در بانک‌های اسلامی، برای حرکت در مسیر جهانی شدن بیان شده است.

اگر بخواهیم نمایه G را که بیانگر میزان جهانی شدن است با نتایج مطالعات سیپک و هسی مرتبط کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که هرچه بانک‌های اسلامی بزرگ‌تر باشند، ثبات مالی بیشتر است. بنابراین بانک‌های اسلامی برای آنکه بتوانند رشد کنند و بزرگ شوند، باید مانع خروج سرمایه از بانک‌هایشان شوند و به جذب منابع از سایرین در فرایند جهانی شدن بپردازند. با این کار، سرمایه (K) در فرمول Z-score افزایش یافته و در نتیجه Z-score افزایش می‌یابد که نتیجه آن کاهش بی‌ثباتی است.

همچنین با افزایش سرعت عملیات بانکی توسط ابزارهای جدید و فناوری نوین و نیز با ایجاد جذابیت و اعتماد مشتریان از طریق روش‌های تأمین مالی اسلامی مثل عقود و خدمات

متنوع اسلامی دیگر، ثبات مالی تأمین می‌شود. بنابراین، راه‌هایی برای بانک‌های اسلامی جهت کسب رتبه‌های مناسب در فرایند جهانی شدن قابل تصور است.

تغییرات لازم در بانک‌های اسلامی برای ایجاد ثبات مالی در فرایند جهانی شدن

بانک‌های اسلامی، برای آنکه بتوانند در ایجاد ثبات مالی در سطح ملی و جهانی اثرگذار باشند، با چالش تغییرهای سازمانی روبه‌رو هستند. این بانک‌ها برای ایجاد این تغییرها نیازمند بانکدارانی هستند که در کنار آگاهی‌های دینی و اسلامی، آگاهی‌های علمی نیز داشته باشد. همکاری بانک‌های اسلامی در تأسیس مؤسسه‌ها آموزشی و پژوهشی جهت ایجاد آگاهی و تربیت مرتبی، از نیازمندی‌های جهانی شدن برای بانک‌های اسلامی است. البته، کتاب‌های زیادی در این باره نوشته شده است.^{۲۵}

از جمله تغییرات ساختار سازمانی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. انعطاف‌پذیری نهاد بانکداری جهت انجام هر فعالیت مالی واقعی و تنوع منابع درآمدی؛
 ۲. نوین‌سازی روش‌ها^{۲۶}
 ۳. فعالیت در بازارهای جدید، منطبق شدن با استراتژی‌های مشتری‌محور به جای تولید محور.^{۲۷}
 ۴. گسترش آگاهی جهان نسبت به شایستگی‌های تأمین مالی اسلامی و توجه دادن آنها به ساختار سرمایه‌ای و فراوانی بودجه بانک‌های اسلامی تا به این طریق، بانک‌های اسلامی به وضعیت رقابتی کشانده شوند؛
 ۵. کاهش هزینه خدمات بانک‌های اسلامی که بدین طریق، نرخ بازگشت بیشتری به سهامداران و سپرده‌گذاران تعلق می‌گیرد؛
 ۶. استفاده بیشتر از دانش و فن‌آوری و صنایع دیجیتالی به منظور تسریع عملیات بانکی.
- اگر عدم تغییر سازماندهی بانکی، متناسب با قانون عملیات بانکی بدون ربا باشد، موجب ناسازگاری میان قانون و عملکرد نظام بانکی می‌شود. عواقب عدم تغییر سازماندهی بانک‌ها باعث کاهش سهم سرمایه‌گذاری مستقیم بانک‌ها، بازگشت سود تضمین شده، ناسازگاری میان نقش واسطه‌گری و عاملیت، و دور شدن از ماهیت عقود می‌شود.^{۲۸}

توسعه بانک‌های اسلامی در سطح جهان

در حالی که سیاستمداران و جامعه‌شناسان غربی اتهام‌هایی را علیه مسلمانان و اعتقادات

اسلامی وارد می‌کنند و آنها را تندرو و افراطی می‌خوانند، اقتصاددانان غربی دین اسلام و شریعت اسلامی را خصوصاً در جوانب اقتصادی با میانه‌روی بیشتری مورد بحث قرار می‌دهند. از نظر اقتصاددانان غربی، بانکداری اسلامی به یک پدیده اقتصادی مبتدل شده که شایستگی پیگیری و بحث و بررسی را دارد. البته، نباید از فرصت‌طلبی غربی‌ها و بانک‌هایشان غافل شد؛ زیرا گاهی هدف آنان این است که سرمایه بیشتری جذب کنند.

بانک‌های اسلامی توانسته‌اند مفاهیم جدیدی را در تعاملات بانکی مطرح نمایند. بسیاری از بانک‌های جهان سعی کرده‌اند بخش‌های اسلامی را برای پاسخ‌گویی به درخواست‌های روزافزون مشتریان مسلمان خویش راه‌اندازی کنند. در حالی که تعداد بانک‌های سرمایه‌گذاری‌کننده بر اساس اسلام در سطح جهان تا سال ۱۹۹۹ بسیار اندک بود، اکنون تعدادشان بسیار زیاد شده است؛ از جمله می‌توان به مجموعه بانکی هنگ‌کنگ، شانگهای و بانک تیشیس منهن تن سیتی^{۲۹} در کنار بانک‌های منطقه‌ای اشاره کرد.

همچنین بانک «کومیرتس»^{۳۰} که یکی از بزرگترین بانک‌های آلمان به شمار می‌رود، در سال ۲۰۰۰، اقدام به تأسیس صندوق سرمایه‌گذاری‌ای کرد که بر اساس قوانین و شریعت اسلامی اداره می‌شود.^{۳۱}

اتحادیه بانک‌های سوئیس در سال ۲۰۰۲ تصمیم گرفت در ساختار فعالیت‌های خویش در خاورمیانه تجدیدنظر کند این اتحادیه شاخه‌ای از بانک نوریپا^{۳۲} را در بحرین تأسیس کرد.

همچنین، کشور انگلیس در سال ۲۰۰۴، برای جذب اموال حدود دو میلیون مسلمان این کشور، بانک انگلیسی اسلامی راه‌اندازی کرد؛ کشور مالزی نیز به برخی از بانک‌های اسلامی خاورمیانه اجازه داد تا در این کشور فعالیت کنند.

بر اساس برآوردهای انجام شده، اکنون سیصد مؤسسه مالی اسلامی در اروپا وجود دارد. در آمریکا، جمعیت مسلمانان در حال رشد سریع است و تقریباً ۱/۳ از جمعیت مسلمان آن کشور اصلاً از بانک‌های غیر اسلامی استفاده نمی‌کنند. در آمریکا، تنها یک بانک اسلامی به نام HSBC وجود دارد که دفاتری نیز در سطح جهان دارد.

مؤسسه‌های تأمین مالی اسلامی آمریکا - برای خرید خانه، ماشین و تجارت‌های کوچک - خدمات مرابحه، اجاره و مشارکت را ارائه می‌دهند. دارایی سرمایه‌گذاری شده در مؤسسه‌های

اسلامی آمریکا (هرچند این مؤسسه‌ها از زمان ایجادشان با قدرت در حال رشد هستند) ۱۱۲ میلیون دلار است که عدد ناچیزی از کل دارایی‌هایش است.^{۳۳}

بانک‌های اسلامی پس از راه‌یابی به محیط‌های بانکی جهان به واقعیتی در زندگی بانکی جهان تبدیل شدند؛ در حالی که بر اساس اصول و قواعد معمول بانکی جهان اداره نمی‌شوند. بر اساس اعلام صندوق بین‌المللی پول، بانک‌های اسلامی در بسیاری از کشورهای عضو صندوق بین‌المللی پول، رایج شده‌اند. اما اینکه بانک‌های بزرگ غیراسلامی شعبه‌های بانک‌های اسلامی را تأسیس کرده‌اند، به این معناست که بانک‌های اسلامی رقبای جدی و قوی دارند. بنابراین، اگر بانک‌های اسلامی تلاش نکنند، بانک‌های رقیب این توان را دارند که فرصت انحصاری بانک‌های اسلامی را از بین ببرند؛ چون این مؤسسه‌ها و نهادها دارای تجربهٔ زیاده‌تر، راهبردهای قوی، شبکهٔ بازاریابی جهانی، شهرت جهانی و کارشناسان بسیار هستند.

نتیجه‌گیری

تأمین مالی اسلامی که در دههٔ ۷۰ پدیدار شد، اخیراً به ورای کشورهای اسلامی گسترش یافته است. اینک کشورهای عرب و غیرعرب مسلمان، به ویژه در آسیا، به طور فزاینده‌ای مجذوب مبادی و اصول تأمین مالی اسلامی شده‌اند. بانکداری اسلامی که در دههٔ ۸۰ بسیار محدود عمل می‌کرد و با مخالفت بسیاری از اقتصاددانان روبه‌رو شده بود، در اوایل دههٔ ۹۰ با شدت زیادی مطرح شد و طی دو دهه، توانست اعتماد مشتریان را جلب نماید و به رقابت با بانک‌های سنتی بپردازد؛ حتی این بانک‌ها مرزهای جهان اسلام را درنوردیدند و در کشورهای غیراسلامی نیز ظاهر شدند. امروزه، اقتصاددانان تأکید می‌کنند که بانک‌های اسلامی، به طور مستقیم، در رشد اقتصادی کشورهای غربی و جهان نقش ایفا می‌کنند.

بانک‌های اسلامی به دلیل ویژگی‌های خاصشان، اگر با نظام بانک‌های جهانی همسو شوند و ساختار کاملی داشته باشند، باعث تأمین ثبات مالی جهانی می‌شوند. اثری که بانک‌های اسلامی در فرایند جهانی شدن دارند شامل مدیریت مناسب در شرایط بحران، داشتن قدرت بازار و توان اثرگذاری بر قیمت‌ها، حرکت بر اساس بخش واقعی، و وجود نظام مشارکتی است.

جهانی شدن نیز باعث تغییراتی در بانک‌های اسلامی می‌شود که می‌تواند به رشد و توسعهٔ آنها و ثبات مالی‌شان کمک کند. اثری که جهانی شدن بر افزایش ثبات مالی بانک‌های اسلامی دارد شامل افزایش کارایی، استفاده از مؤسسه‌های رتبه‌بندی و نظارتی جهانی، و گسترش تنوع

سرمایه‌گذاری است. اگر این تغییرات ساختاری و سازمانی در بانک‌ها آگاهانه و با تدبیر ایجاد شود، اثری دو سویه بین بانکداری اسلامی و جهانی شدن ایجاد می‌شود که می‌تواند تبعات مثبت و منفی زیادی داشته باشد. با مدیریت می‌توان فرصت‌ها را حداکثر و تهدیدها را حداقل کرد.

نکته قابل توجه آن که اندازه و مقیاس مؤسسه‌های مالی اسلامی یکی از مسائل مهم در بررسی مخاطرات به حساب می‌آید. حتی بزرگ‌ترین بانک‌های اسلامی در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی کوچک مانده‌اند و تعداد محدودی از دارایی‌ها و بخش‌های مشخصی از بازار را در سبد دارایی^{۳۴} دارند. از این‌رو، با حرکت در مسیر جهانی شدن، باید چاره‌ای برای این مسئله نیز اندیشیده شود.

این مقاله جهانی شدن را به عنوان پدیده‌ای بررسی کرده که به طور مطلق خوب یا بد نیست و فرصت‌ها و چالش‌هایی را ایجاد می‌کند. کشورها بایستی با توجه به شرایط خود با این پدیده روبه‌رو شوند و همه‌جوه مثبت و منفی آن را در نظر بگیرند.

نکته آخر آنکه هرچند بانک‌های اسلامی هنوز با مشکلات ساختاری و مسائل دیگری که نیاز به بررسی دارند روبه‌رو هستند، اما اگر تغییرات لازمی را که منافاتی با مسائل اسلامی نداشته باشد انجام دهند، به دلیل ویژگی‌های بالقوه‌ای که دارند، می‌توانند بر ثبات مالی اثرگذار باشند.

پی‌نوشت‌ها

1. Erhun Kula, "Is Contemporary Interest Rate in Conflict with Islamic Ethics?", journal *Kyklos*, Volume 61. Issue 1, p.1.

۲. حسین میسمی، و حسین عیوضلو، «بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری متعارف». *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۱، ص ۱۶۱.

3. Cihak Martin and Hesse Heiko, "Islamic Banks and Financial Stability: An Empirical Analysis", IMF Working Paper No.08/16 (Washington: International Monetary fund), p.3

4. Čihák, Martin. "How Do Central Banks Write on Financial Stability?". International Monetary Fund Working Papers , P.1-54.

۵. مالک ندیم، «اقتصاد کلان با ابزارهای اسلامی، ترجمه سیداسحاق علوی، *اقتصاد کلان با ابزارهای اسلامی*، ش ۴، ص ۱۲۳.

6. Čihák, Martin. "How Do Central Banks Write on Financial Stability?". International Monetary Fund Working Papers , number 06/163, p.4

7. Freedman & Goodlet, "Financial Stability: What it is and Why it Matters ?" journal C.D. Howe Institute Commentary, No . 256, p.3.

۸. گریفت رینستون، «برندگان و بازندگان جهانی شدن»، ترجمه پروانه گودرزی، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ص ۱۲.

9. Keleey, 1990.

10. De Nicoló, Gianni, " Size, Charter Value and Risk in Banking: An International Perspective", *International Finance Discussion Papers*

11. Al-Ajlouni , Ahmed, "Developing strategies for Islamic banks to face the future challenges of financial globalization", 1th Edition, MPRA Paper ,No.13581.

12. Schinasi Garry J, "Defining Financial Stability", International Monetary Fund, P.1-8.

13. Keeley M., "Deposit Insurance. Risk and Market Power in Banking", P.1183-1200.

14. assets.

۱۵. برای نمایش تفاوت در ساختار درآمدی بانک‌ها از فرمول انحراف درآمد استفاده می‌شود،

$$[(درآمد کل) / (درآمد خالص ایبهره - دیگر درآمدهای)] - 1$$
 که در آن، فعالیت بانک‌ها، از قرض دادن به شیوه

سنتی، که درآمد بهره‌ای خالص ایجاد می‌کند به سمت فعالیت‌های دیگر تغییر می‌یابد. برای بانک‌های اسلامی

درآمد بهره‌ای خالص به صورت حاصل جمع درآمدهای در گردش + میزان PLS (مشارکت در سود و زیان) در

نظر گرفته می‌شود.

2. West Bank.

۱۶. سیدحسین میرجلیلی، الزامات جهانی شدن برای بانکداری ایران، ص ۵.
17. Ahmed Al-Ajlouni, "Developing Strategies for Islamic Banks to Face the Future Challenges of Financial Globalization", 1th Edition, MPRA, P.13581, p5.
۱۸. سیدحسین میرجلیلی، الزامات جهانی شدن برای بانکداری ایران، ص ۳-۱.
۱۹. همان، ص ۵.
۲۰. سیدحسین میرجلیلی، دو چالش فراروی نظام بانکی در ایران، «دفتر مطالعات اقتصادی»، مرکز پژوهش‌های مجلس، ص ۱.
۲۱. همو، الزامات جهانی شدن برای بانکداری ایران، ص ۱.
۲۲. اسماعیل استوار، رشد شتابان بانکداری اسلامی، خبرنامه آفتاب، آبان ۱۳۸۶.
۲۳. مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصادی، اندازه‌گیری شاخص‌های جهانی سازی، ص ۱.
- ۲۴ همان.
25. Ahmed Al-Ajlouni, "Developing Strategies for Islamic Banks to Face the Future Challenges of Financial Globalization", 1th Edition, MPRA Paper, No. 13581, p5.
- ۲۶ سیدحسین میرجلیلی، الزامات جهانی شدن برای بانکداری ایران، ص ۵-۱.
27. Ahmed Al-Ajlouni, "Developing strategies for Islamic banks to face the future challenges of financial globalization", 1th Edition, MPRA Paper, No. 13581, p5.
۲۸. سیدحسین میرجلیلی، «دو چالش فراروی نظام بانکی در ایران»، دفتر مطالعات اقتصادی، ص ۱.
- Majlisis/mntml/modules.php?mame=news and file arlcle&sid=218
29. Tachisme Bank of Manhattan City.
30. Komitas Bank of Germany.
۳۱. اسد شکورپور، ورود بانکداری اسلامی، اقتصاد جهان، ص ۲ - ۱.
32. Noriba Bank.
33. Shirley Chiue et al., Chicago fed letter, P.2.
34. Portfolio

منابع

- شکور پور، اسد، «ورود بانکداری اسلامی به اقتصاد جهان»، *روزنامه ایران*، شماره ۳۷۶۶، ص ۸.
گرفت، رینستون، برندگان و بازندگان جهانی شدن، ترجمه: گودرزی، پروانه. روزنامه دنیای اقتصاد. سایت:
www.donya-e-eqtasad.com {۱۳۸۹}
- مؤسسه تحقیقات تدبیر اقتصادی، «اندازه‌گیری شاخص‌های جهانی سازی»، ۱۳۸۲.
موسویان، سید عباس، «بانکداری اسلامی، ثبات بیشتر و کارایی بهتر»، بیستمین همایش بانکداری بدون ربا،
سایت: http://www.ibi.ac.ir/?page_id=212&menu_id=1&menu_item_id=261 {۱۳۸۹}
- میرجلیلی، سیدحسین، دو چالش فرارروی نظام بانکی در ایران، «دفتر مطالعات اقتصادی»، مرکز پژوهش‌های
مجلس، سایت: sid=218&file=article& modules.php?name=News
- میرجلیلی، سیدحسین، «الزامات جهانی شدن برای بانکداری ایران» ۱۳۸۸/۹/۱۲ سایت:
http://www.glo110.blogfa.com/post-447.aspx
- میرجلیلی، سیدحسین، «جهانی شدن اقتصاد ایران: برخی چالشها و رهیافتها»، مجموعه مقالات همایش جهانی شدن
اقتصاد، وزارت بازرگانی، ۸ و ۹، بهمن، ۱۳۸۰.
- میرجلیلی، سیدحسین، «جهانی شدن بانکداری و ضرورت‌های ناشی از آن در بانکداری ایران»، *نامه مفید*، سال
هشتم، ش ۳۱، مهر و آبان ۱۳۸۱، ص ۴۹-۷۰
- میسمی، حسین و حسین عیوضلو، «بررسی نظری ثبات و کارایی بانکداری اسلامی در مقایسه با بانکداری
متعارف»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۳۱، ۱۳۸۷، ص ۱۸۹-۱۶۱.
- نادری کزج، محمود و صادقی، حسین، «بررسی کارایی بانک‌های بدون ربا در کشورهای مختلف و مقایسه
بانک‌های غیرربوی با بانک‌های ربوی در جهان با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها». فصلنامه
پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۲.
- ندیم، مالک، «اقتصاد کلان با ابزارهای اسلامی»، ترجمه سیداسحاق علوی، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴، ۱۳۸۰، ص
۱۲۷-۱۲۱.
- Al-Ajlouni, Ahmed, "Developing Strategies for Islamic Banks to Face the Future Challenges of Financial Globalization", 1th Edition, MPRA P.13581, 2004.
- Allen, F. & Gale, D, Comparing Financial Systems. Cambridge: MA, MIT Press, 2001.
- Chiu, Shirley et al., "Chicago Fed Letter" The Federal Reserve Bank of Chicago No.2/4, 2005.
- Cihak, Martin and Hesse, Heiko, "Islamic Banks and Financial Stability: An Empirical Analysis", IMF Working Paper No.08/16, Washington : International Monetary fund, 2009.
- Čihák, Martin, "How Do Central Banks Write on Financial Stability?". International Monetary Fund Working Papers, Number 06/163, P.1-54.
- De Nicoló, Gianni, "Size, Charter Value and Risk in Banking: An International Perspective", International Finance Discussion, 2000.

- Demirgüç-Kunt, A. & Laeven, L. & Levine, R. "The Impact of Bank Regulations, and Concentration, Institutions on Bank Margins", World Bank Policy Research Working Paper No. 3030, 2003.
- Freedman, Charles and Goodlet, Clyde, "Financial Stability: What it is and Why it Matters ?" Journal C.D. Howe Institute Commentary, No . 256, 2007, Issn 0824- 8001.
- Ibrahim, Alomar, "Financial Intermediation in Muslim Community: Issues and Problems "University Library of Munich, Germany. MPRA, 2006, P.8298.
- Keeley, M. "Deposit Insurance, Risk and Market Power in Banking", American Economic Review, 1990, P.1183-1200.
- Kula, Erhun, "Is Contemporary Interest Rate in Conflict with Islamic Ethics?" Journal Kyklos, Volume 61. Issue 1, 2008, P.45-64.
- Mario I. Blejer, "Economic Growth and the Stability and Efficiency of the Financial Sector", Journal of Banking & Finance. Volume. 30, Issue . 12, 2006, P.3429-3432.
- Salman saleh, Alir and Zeitun, Rami, "Islamic Banking Performance in Middle East, a Case Study of Jordan". Economics Working Paper Series 2006, WP 06-21.
- Schinasi. Garry J, "Defining Financial Stability", International Monetary Fund. JEL Classification Numbers: E60, G00, 2004, H00.P.1-18.
- Uhde, André and Heimeshoff, Ulrich "Consolidation in Banking and Financial Stability in Europe : Empirical evidence." Journal of banking and finance . Volume 33. Issue 7, 2009, P.1299-1311.
- Weill, Laurent, "Do Islamic Banks Have Greater Market Power", Working paper 2009-02. et large, University of Strasbourg and EM Strasbourg Business School.